روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

روزنامه شرق

شنبه ۱۹ آبان ۱۴۰۳ • ۷ جمادی‌الاول ۱۴۴۶ • ۹ نوامبر ۲۰۲۴ • سال بیست‌ویکم • شماره ۴۹۷۰ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۴۸ • اذان مغرب ۱۷:۲۱ • اذان صبح فردا ۵:۰۹ • طلوع آفتاب ۶:۳۵

مراسم ازدواج ۱۶۰ زوج نیروی زمینی ارتش پنجشنبه ۱۷ آبان با حضور امیر سرتیپ «نوذر نعمتی»، جانشین فرمانده نیروی زمینی ارتش در دانشگاه افسری امام علی (ع) برگزار شد. عکس: حسن شیروانی، ایرنا

instagram:sharghdaily1 twitter:sharghdaily youtube:sharghdaily Telegram:SharghDaily aparat:tasvirshargh www.sharghdaily.com

روایت‌خوانی

مرگ بر عینک‌های دودی

مهدی خاکی‌فیروز

شروع این نوشته با واژه «مرگ» است؛ همان واژه‌ای که باقی نوشته می‌کوشد از عادی‌سازی آن جلوگیری کند. در اینجا، در خاورمیانه، مرگ همسایه نزدیک ماست که هرلحظه ممکن است بدون اذن دخول به خانه‌هایمان بیاید و مهمان ناخوانده شود و به قول یک خواننده: «اومد یک شب بمونه، موندگار شد/ اومد مهمون شه، صاحب‌اختیار شد». این هم‌جواری با مرگ است که زندگی بسیاری از مردمان را به اضطراب و رنج غیرضرور مبتلا کرده است.

در دنیای روزنامه‌نگاری منطقه منا، اخبار مکرر جنگ، کشتار و ویرانی، به‌ویژه مرگ غیرنظامیان، روزانه و شبانه به گوش می‌رسد. این تجربه‌ها مانند خراش‌هایی عمیق بر روح ما باقی می‌مانند و تمامی زوایای ذهن‌مان را از دردورنج پر می‌کنند. هرچند ممکن است وقتی هر روز با داستان‌های بی‌شماری از فجایع انسانی مواجه شویم، درنهایت از رنج‌کشیدن و همدردی دست بکشیم و این روایت‌ها به‌مرورِ زمان، ما را به انسان‌هایی بی‌احساس و سرد تبدیل کند. اما یادمان باشد که هر خبر کشتار، شاید برای صفحات تلویزیون یا روزنامه فقط یک آمار باشد، اما در دنیای واقعی هر انسانی که جانش را می‌ستانند نماینده یک داستان، یک زندگی و یک خانواده است.

در این حالت، شاید روزنامه‌نگاران تجربه‌ای نزدیک به آنچه آنتونیو داماسیو، عصب‌شناس پرتغالی‌تبار، از آن سخن می‌گوید داشته باشند. او در آثارش مانند «خطای دکارت» و «احساسات و مغز» که به ظاهر بیانیه‌هایی علیه روح و رستاخیز است، می‌گوید عواطف انسانی بخشی جدایی‌ناپذیر از عملکرد مغز و بدن ما هستند. از دید داماسیو، عواطف از پیوند تفکر و حافظه به وجود می‌آیند و نادیده‌گرفتن آنها، کیفیت زندگی و توانایی ما برای درک احساسات دیگران را به‌شدت کاهش می‌دهد. او نشان می‌دهد که وقتی با روایت‌های بی‌پایان جنگ و مرگ مواجه شویم، به‌جای تقویت حس همدردی، ممکن است بی‌تفاوت شویم. این فرایند بی‌حسی، نوعی محافظت از ذهن دربرابر حجم عظیم رنج‌هاست. درست مانند کسانی که دربرابر آفتاب ظهر تابستانی، عینک آفتابی به چشم می‌زنند. اما این نوع مراقبت بهای سنگینی هم دارد: از دست دادن همدلی و افول انسانیت.

بی‌حسی در اثر اضطراب‌ها و تجربه‌های مداوم مجاورت با اخبار مرگ‌بار، شباهت عمیقی دارد به اضطرابی که داماسیو از آن سخن می‌گوید؛ اضطرابی که نشان می‌دهد چگونه رنج‌های نادیده‌گرفته‌شده، هم بر افراد و هم بر جامعه تأثیر منفی دارد. روزنامه‌نگارانی که هر روز در معرض این فجایع‌اند، اگر نتوانند احساسات انسانی خود را حفظ کنند، به‌طور ناخواسته در عادی‌سازی رنج و مرگ برای دیگران نقش ایفا می‌کنند و زندگی خودشان نیز تأثیر منفی می‌پذیرد.

چه باید کرد تا این چرخه تلخ پایان یابد؟ پاسخ در تقویت همدلی و بازیابی نگاه انسانی به فجایع است. مرگ چیزی فراتر از ارقام است. اخبار کشتارهای جنگی، قصه انسان‌هایی است که حق دارند زندگی کنند. به همین دلیل لازم است در کنار روایت واقعیت، بکوشیم تا از آن به عنوان تلنگری برای بیداری وجدان‌ها استفاده کنیم و در قلب هر گزارش، جرقه‌ای از همدردی و مسئولیت را هم بنشانیم.

ما به عنوان روزنامه‌نگار، وظیفه داریم عواطف را بیدار کنیم و صدای کسانی باشیم که در سایه اخبار رسمی فتح و شکست به فراموشی سپرده می‌شوند. به خودمان و دیگران یادآوری کنیم که همسایگی با مرگ، به معنای پذیرش عادی‌بودن آن نیست، بلکه باید به تلاش در ایجاد دنیایی با کمترین رنج‌ها و بیشترین همدلی‌ها ادامه دهیم. حتی اگر در ابتدای این مسیر صدایمان در زیر شکوه و بلندی صدای طبل و مارش نظامیان به‌سختی به گوش برسد.

روز ملی مازندران

حسین نوری‌نیا

روزهای ملی، روزهایی هستند که در آنها رویدادی مهم و اثرگذار رخ داده و اثرات آن نه‌فقط در زندگی باشندگان در آن دوران، بلکه در طول تاریخ تداوم داشته و با زندگی و فرهنگ مردم نیز ممزوج شده است. همین امر موجب شده بسیاری از کشورها و ملت‌ها، با نام‌گذاری این روزها و پاسداشت آن، هویت جمعی و انسجام ملی خود را تقویت و بازتولید کنند. روزهای ملی، روزهای خوشایندی هستند که مردم در آن روزها بخشی از سرنوشت خود را رقم زده‌اند. ازاین‌رو، سالگرد این روزها با جشن و سرور همراه است. آن دسته از روزهای ملی که با اقبال عمومی همراه می‌شوند، و مردم و نهادهای مدنی، خود در پی پاسداشت و برگزاری جشن و یادآوری آن برمی‌آیند، در تقویت روح جمعی و همبستگی اجتماعی و ملی و هویت‌بخشی به مردم تأثیر عمیق‌تری دارند.

ما در کشورمان روزهای ملی بسیاری داریم؛ از جمله روزهای ملی برخی شهرها و استان‌ها. مازندران در دورانی که تبرستان نامیده می‌شد، یکی از مقاوم‌ترین بخش‌های ایران در مقابل حمله مهاجمان بود. شاید همین نیز موجب شد این بخش از ایران، از همان ابتدا به نحله‌ای از مسلمانان تمایل پیدا کند که متفاوت از جریان مسلط خلافت اسلامی بود تا یکی از پایگاه‌های شیعیان در این بخش از ایران شکل گیرد. در میانه قرن سوم هجری، روز عید فطر سال ۲۵۰ قمری مصادف با ۱۴ آبان ۲۴۳ شمسی، مردم کجور در مسجد جامع آنجا گرد آمدند و نماز عید فطر را به امامت حسن‌بن زید علوی اقامه کردند و پایه‌های نخستین حکومت شیعی را در جهان اسلام بنیان کردند.

امسال چهارمین سال روز ملی مازندران درحالی برگزار شد که غیر از مراکز دولتی محلی در استان، گروه‌ها و نهادهای مدنی نیز در پاسداشت آن نقشی‌آفرینی کردند. در تهران، روز ملی مازندران با تلاش مؤسسه پارپیرار یکی از حافظان فرهنگ مازندران، با یاری همیاران پارپیرار و همکاری قابل ستایش مؤسسه رودکی، در ۱۶ آبان در تالار وحدت گرامی داشته شد. مازندرانی‌های تهران‌نشین از این برنامه استقبال پرشوری کردند. سالن تالار وحدت و سه طبقه بالکن آن مملو از مشتاقانی بود که در همان دقایق نخستین برنامه حضور یافته بودند. بسیاری از کسانی که با تأخیر آمده بودند پشت درهای بسته ماندند و مجبور به بازگشت شدند. سه گروه موسیقی اوجا، مازرون و شوکا دعوت پارپیرار را پذیرفتند و با هنرنمایی خود و اجرای موسیقی و آوازهای محلی و همراهی باشندگان، تالار را پر از شورونشاط کردند.

روز مازندران از سویی پیوند خورده است با نام فرهود جلالی کندلوسی که در ثبت‌وضبط و گسترش فرهنگ مازندران و تأسیس مؤسسه فرهنگی پارپیرار طی چند دهه نقش مؤثر و ماندگاری ایفا کرده بود. ازاین‌رو، نخستین «نشان فرهود، جلال فرهنگ و زبان تبری» بر سینه «ابراهیم عالمی» یکی از هنرمندان محبوب مازندران نشست.

اما آنچه روز مازندران و این جشن را به‌طور خاص متمایز می‌کند، تهی و مبرابودن این روز و تلاشگران آن از هر نوع گرایش پان است. ازاین‌رو از یک سو از از گروه موسیقی شوکا (اقوام ایران‌زمین) برای اجرای برنامه در تالار وحدت دعوت شد. گروه شوکا میان مازندرانی‌ها نواهایی از اقوام لر، آذری، کرد، مازنی و جنوب ایران و خیام‌خوانی آن را به اجرا درآورد و روح ملی ایرانیان را که در طول سده‌های متمادی از درهم‌تنیدگی تاروپود ساکنان جای‌جای ایران‌زمین شکل گرفته است، به نمایش گذاشت. چه خوب است این نگاه را در اجرای چنین برنامه‌هایی در دیگر استان‌ها نیز شاهد باشیم. مازندرانی‌ها با تمام این نواها همراهی پرشور کردند و با صدای بلند روز مازندران را روز ایران خواندند و نشان دادند که مازندران با ایران معنا پیدا می‌کند و ایران یعنی درهم‌تنیدگی تاریخی اقوام و تیره‌ها و ساکنان گوناگون و بسیار متنوع آن، که در مناسبات اجتماعی و تعاملات تاریخی تنی واحد و فرهنگ غنی ایرانی را شکل دادند. از سوی دیگر، روز ملی مازندران، هرچند بهانه‌ای است برای ترویج و گسترش نمادهای فرهنگی این بخش از مرزوبوم ایران، از جمله زبان مازندرانی است، اما این زبان در تعامل و پیوندی تاریخی با زبان فارسی، آن را پشتوانه مستحکم فرهنگ ایران‌زمین و یک از عناصر ماندگار وفاق و انسجام ملی و اجتماعی می‌شناسد.

گزارش‌خوانی

کنسرت‌هایی برای نابودی میراث

یسنا خوشفکر

فردوسی در پایان شاهنامه درباره اثر جاودانه‌اش چنین می‌گوید:

بناهای آباد گردد خراب — ز باران و از تابش آفتاب
پی افکندم از نظم کاخی بلند — که از باد و باران نیابد گزند

از دیرباز به تجربه و از طریق علمی ثابت شده است که بناها و ساختمان‌ها سرانجام شامل مرور زمان شده و رفته‌رفته بر اثر عوامل طبیعی فرسوده و ویران می‌شوند. حال اگر این بناها بخشی از تاریخ یک سرزمین باشند و به نوعی میراث کشور به شمار آیند، باید راهکارهایی اندیشید و به‌گونه‌ای نگهداری شوند که از تخریب آنها جلوگیری شود تا برای نسل‌های آینده باقی بمانند. در دهه‌های گذشته، کارشناسان میراث در سراسر جهان با توجه به این واقعیت، بر آن شدند تا با بهره‌گیری از فنون جدید، آثار تاریخی را از این گزند نجات بخشند. یونسکو نیز قوانینی در همین زمینه تصویب کرده است اما همچنان این دغدغه وجود دارد که آثار تاریخی بر اثر رفت‌وآمد و بازدید مردم و نور و صدا دچار فرسایش شوند.

چندی پیش دو برنامه کنسرت و نمایش در تخت جمشید برگزار شد که موجب نگرانی دوستداران میراث شد. همگی عوامل از برگزارکننده تا صادرکننده مجوز تا برخی که خود را کارشناس میراث می‌نامیدند، تنها استنادشان در این زمینه، کنسرت «یانی»، آهنگساز یونانی، بود. با این استدلال که چون در آن اجراها اتفاقی برای بناها نیفتاده، بنابراین برگزاری این‌گونه برنامه‌ها در تخت جمشید مشکلی برای بنا به وجود نمی‌آورد. در پاسخ به برگزارکنندگان محترم کنسرت باید گفت هیچ‌یک از مخالفان انتظار ندارند فردای کنسرت ناگهان بنا فرو بریزد و با خاک یکسان شود!

بلکه سخن بر سر یک تکانه و فرسایش جزئی و نامحسوس است که برای این‌گونه بناها حکم ویرانی را دارد. از سوی دیگر، برخی پا را از این فراتر گذاشته و در کمال شگفتی برگزاری این‌گونه کنسرت‌ها را سبب شهرت تخت جمشید دانسته‌اند!

به طراحان این نظریه باید به عرض برسانیم که در سال‌های گذشته به دلیل ازدحام مردم در تخت جمشید به‌ویژه در ایام نوروز، کارشناسان تصمیم گرفتند برای در امان ماندن این اثر از تخریب، چاره‌ای بیندیشند. حال چگونه می‌توان یک گروه هنری را که مانند دیگر گروه‌ها طرفداران محدودی دارند و در دوره‌ای از تاریخ این کشور می‌آیند و می‌روند سبب شهرت اثری مانند تخت جمشید دانست که متعلق به روزگاران است و بخشی از تاریخچه و هویت ملی این سرزمین محسوب می‌شود و شهرت جهانی دارد؟

بی‌گمان باید همگان در حفظ و پاسداشت یادمان‌های نیاکان بکوشیم؛ چراکه این آثار تاریخی نزد ما امانت‌اند و باید نگهداری و به نسل بعد منتقل شوند. در همین راستا با چند نفر از کارشناسان صدا که سال‌هاست در این زمینه فعالیت دارند و به زوایای تأثیرات صدا آشنایی دارند، به گفت‌وگو نشسته‌ایم و خواهشمندیم از همه مسئولان و دوستداران میراث فرهنگی به این نقطه‌نظرات که جنبه هشدار نیز دارد، توجه بفرمایند.

از نوید شاه‌بیگی، کارشناس صدابرداری، دراین‌باره پرسیدیم: آیا سیستم‌های صوتی اثری منفی روی آثار باقی می‌گذارد یا نه؟ او پاسخ داد: بله، صددرصد به مرور زمان تأثیر می‌گذارند. فرکانس و ارتعاش ایجاد لرزه می‌کند، فرکانس حرکت می‌کند، به‌ویژه در باس. باس را به‌هیچ‌عنوان نمی‌توان کنترل کرد. برای مثال، استودیو با این ضخامت آکوستیک شده که صدا در داخل اتاق فرمان شنیده نشود. اما اگر در آن طرف یک صدای بلند مانند «درامر» باشد، ما این طرف می‌شنویم. این نشان می‌دهد که صدا از لایه آکوستیک رد شده است، بنابراین مطمئن باشید آسیب می‌زند.

پرسش: می‌گویند در غرب سیستم‌هایی وجود دارد که آسیب نمی‌زند. پاسخ: به‌هیچ‌وجه چنین چیزی وجود ندارد و اساسا ربطی ندارد. شما اگر یک ساختمان را هرچقدر محکم تکان بدهید و این کار را تکرار کنید، ذره‌ذره باعث ریزش می‌شود و فرکانس دقیقا چنین کاری می‌کند. اگر دست‌مان را روی یک میز یا روی زمین بگذاریم، این ارتعاش را به‌خوبی احساس می‌کنیم. روی سنگ هم همین‌طور است و فرقی نمی‌کند. برای مثال چک‌چک آب وقتی روی سنگ می‌ریزد، آب وزن و حجمی ندارد که بخواهد سنگ را سوراخ کند. آنچه سنگ را به مرور زمان سوراخ می‌کند، ارتعاش است که وقتی به سنگ می‌خورد، به مرور زمان تا صد سال سنگ را پودر می‌کند.

امید انصاری، از دیگر صدابرداران مطرح، درباره تأثیرات مخرب صدا بر آثار چنین می‌گوید: «با توجه به تخصصی که در این زمینه دارم و ۳۰ سال است که به عنوان مهندس صدا مشغول به کار هستم، اگر قرار بود صداها به بنا آسیب نرساند، چندین آیین‌نامه و قانون جهانی در این زمینه به وجود نمی‌آمد. باید بپذیریم که این تأثیرات هست. به سه قانون اشاره می‌کنم: یکی کنوانسیون میراث جهانی یونسکو است که اقدام به شناسایی کاهش تهدیدها به خاطر آلودگی‌های صوتی کرده است. دوم دستورالعمل‌های شورای بین‌المللی بناها و محوطه‌های تاریخی است که راهکارهایی برای مدیریت پایدار میراث فرهنگی و اثرات صوتی و ارتعاشی را بررسی کرده‌اند. و مورد سوم، استانداردهای ایزو که مربوط به آکوستیک است که استانداردهایی را برای اندازه‌گیری فشار صوت در محیط‌های حساس و حفاظت از ساختارهای سنگی بناها را تعیین کرده‌اند. پس اگر صدا آسیب نمی‌رساند، این قوانین هم به وجود نمی‌آمد».

رحیم بقایی، کارشناس صدا و از پیش‌کسوتان این عرصه نیز دراین‌باره چنین می‌گوید: «از اینکه یکی از کسانی بودم که باعث شدم در آثار باستانی کنسرت اجرا بشود، بسیار پشیمان هستم. در آخرین اجرایی که داشتیم، ما به این نتیجه رسیدیم که ارتعاشات بلندگو به این آثار باستانی آسیب می‌رساند. متأسفانه ما فقط می‌خواهیم از این فضا استفاده کنیم؛ چون اجرا در مراکز باستانی بسیار زیباست، به هر رو ارتعاش صوت، سبب آسیب می‌شود و اگر بگوییم نه، یک دروغ است».

مهدی سالک اردستانی، از دیگر پیش‌کسوتان و صدابردار ارشد صداوسیما و کارشناس صدا، در پاسخ به این پرسش که تأثیر صدا بر سازه و آثار تاریخی مخرب خواهد بود یا نه، چنین پاسخ داد: «به طور یقین این کار تخریب به همراه دارد، به‌ویژه در کشور ما؛ چون در این کنسرت‌هایی که اجرا می‌شود، فشار صوتی بالا و بی‌دلیل دارند. جای تعجب است که چرا تا این اندازه صدا را بلند گوش می‌کنند! فشار صوتی بالای صد یا ۱۲۰ «دی‌بی» که قطعا تخریب دارد و باید از آن جلوگیری شود. به اضافه اینکه در کنار این تخریب‌ها با حضور جمعیت یک تخریب دیگر رخ می‌دهد! واقعا حیف است آثاری که از گذشته برای ایرانی‌ها باقی مانده، با این بی‌توجهی‌ها تخریب بشود، آن‌هم برای یک موسیقی که دوام ندارد و تا چند سال دیگر شاید کسی به آن موسیقی گوش نکند. تخت جمشید یک اثر دوهزارو ۵۰۰ساله و مایه مباهات مردم ایران است. چرا باید با یک موسیقی که برای مدتی مورد توجه بخشی از مردم هست، باعث ویرانی شود؟ یا هر اثر تاریخی دیگر مانند طاق‌بستان، چهل‌ستون و دیگر آثار، فرقی نمی‌کند. این‌همه محوطه‌های باز هست که می‌توانند با طراحی زیبا در آنجا کنسرت اجرا کنند». او ادامه داد: «درحال‌حاضر آثار تاریخی ایران به اندازه کافی در معرض خطر حوادث طبیعی قرار دارد، از جمله فرونشست زمین و گل‌سنگ‌هایی که بر روی سنگ‌های تخت جمشید قرار گرفته. اما میراث فرهنگی به‌جای اینکه برای در امان ماندن آثار تاریخی از این تخریب‌ها راه چاره‌ای پیدا کند، یک مشکل دیگر را هم به آن اضافه کرده، درحالی‌که اجرای کنسرت و نمایش در این اماکن هیچ ضرورتی ندارد. نمی‌دانم چه کسانی چنین مجوزهایی را صادر کرده‌اند. بی‌شک کارشناس نبودند و در این زمینه هیچ تخصصی نداشته‌اند».

۲ میلیون خودرو

براساس آمار بیمه مرکزی ۲۶ تا ۲۷ میلیون خودرو در کشور داریم که ۲۳ تا ۲۴ میلیون بیمه‌نامه صادر شده و حدود دو میلیون خودرو سواری بدون بیمه در کشور تردد می‌کنند. همچنین از ۱۳ میلیون موتورسیکلت در کشور، کمتر از دو میلیون دستگاه بیمه شخص ثالث هستند.

۱۰۰ کشور

طی چند روز آینده نشست سالانه سازمان ملل متحد درباره آب‌وهوا قرار است در باکو برگزار می‌شود؛ اما خبر انصراف حضور مکرون و شولتس از شرکت در کوپ ۲۹ اعلام شد. این نشست تا ۲۳ آبان برپاست. حدود صد نفر از مقامات کشورها در نشست باکو حضور خواهند داشت.

۹۰ گفت‌وگو

رئیس‌جمهور پزشکیان در دیدار هیئت‌رئیسه جبهه اصلاحات اعلام کرد که بیش از ۹۰ گفت‌وگو با سران و مقامات ارشد کشورهای خارجی در ۲.۵ ماه گذشته داشته است. او گفت: «در سیاست خارجی تلاش کردیم با همسایه‌ها ارتباط بهتری برقرار کنیم. در این سفرها به دنبال گسترش و برقراری کریدورهای اقتصادی با همسایگان هستیم».

اتفاق‌خوانی

برندگان جایزه «مهتاب میرزائی» معرفی شدند

هجدهمین دوره جایزه مهتاب میرزائی سال ۱۴۰۳ اهدا شد. در مراسمی که در دفتر فصلنامه نگاه‌نو به یاد مهتاب میرزائی (همکار جوان نگاه‌نو که در ششم تیرماه ۱۳۸۵ رخت از جهان فروبست) برگزار شد، جایزه‌ها توزیع شد. برندگان جایزه‌ها به انتخاب خوانندگان نگاه‌نو و از میان آثاری که در سال ۱۴۰۲ در این فصلنامه منتشر شده بود برگزیده شدند.

جایزه جوان‌ترین همکار سال ۱۴۰۲ به «زهرا حبیبی» رسید برای نقد و بررسی و معرفی کتاب به مملکتتون خدمت کنید، نوشته دکتر محمدعلی مجتهدی، که در نگاه‌نو شماره ۱۳۷ (بهار ۱۴۰۲) به چاپ رسید.

جایزه بهترین مترجم سال ۱۴۰۲ به «نرگس انتخابی» رسید برای ترجمه مقاله «عشق تمنای انسان است برای یافتن نیمه گمشده خویش»، نوشته ادگار لارنس داکترو (دکتروف)، که در نگاه‌نو شماره ۱۳۸ (تابستان ۱۴۰۲) منتشر شد.

جایزه بهترین پژوهشگر و نویسنده سال ۱۴۰۲ به دکتر علینقی مشایخی رسید برای نوشتن مقاله «آموزش‌وپرورش و توسعه» که در نگاه‌نو شماره ۱۳۷ (بهار ۱۴۰۲) چاپ شد.

جایزه بهترین نویسنده نقد و بررسی و معرفی کتاب سال ۱۴۰۲ به دکتر یزدان منصوریان رسید برای نوشتن نقد و بررسی و معرفی کتاب «از زندگی چه می‌خواهید؟» نوشته والری تاییریوس که در نگاه‌نو شماره ۱۳۸ (تابستان ۱۴۰۲) منتشر شد.

در این مراسم از دکتر آبتین گلکار تجلیل شد. او از سال ۱۳۷۷ تاکنون (۲۶ سال) ضمن انتشار آثار خود در فصلنامه نگاه‌نو، همکاری نزدیک و تأثیرگذاری با سردبیر داشته است. همچنین از مهدی قائمی (مدیر شرکت بازرگانی بیدار) که نزدیک به ۱۰ سال جایزه‌های اصلی برندگان جایزه مهتاب میرزائی را تأمین کرده بودند، تقدیر شد.

علاوه‌بر لوح نگاه‌نو، جایزه‌ها و کتاب‌هایی از نشر آگاه، نشر آگه، نشر امین‌الضرب، نشر بان، مجموعه پلاتینیوم، نشر سپهر خرد، شرکت چسب سینا، نشر فرهنگ معاصر، نشر کارنامه، نشر مرکز، نشر نو و نشر نی اهدا شد.

زندگی‌خوانی

چند ویژگی افراد دورو

تشخیص افراد دورو و خودخواه گاهی اوقات غیرممکن است، اما بیشتر این افراد ۷ رفتار مشترک دارند که شخصیت واقعی آنها را لو می‌دهد.

رفتار تملق‌آمیز: گاهی اوقات چاپلوسی بیش‌ازحد می‌تواند یک نشانه هشدار باشد. افرادی که فقط در ظاهر مهربان هستند، اغلب به رفتارهای تملق‌آمیز متوسل می‌شوند. آنها از این رفتارها به عنوان ابزاری برای جلب نظر فرد و پنهان‌کردن نیت واقعی خود استفاده می‌کنند.

فقط زمانی که به چیزی نیاز دارند سراغ شما می‌آیند: این افراد به‌محض اینکه به خواسته خود برسند، بدون هیچ تشکر یا جبرانی ناگهان ناپدید می‌شوند.

زود عصبانی می‌شوند: این فقدان خودکنترلی می‌تواند آنها را به سوی رفتارهای مخرب سوق دهد.

نقش قربانی را بازی می‌کنند: اگر کسی به طور مداوم خود را به عنوان طرف بی‌گناه و قربانی در هر موقعیتی نشان می‌دهد، محتاط باشید. این می‌تواند تاکتیکی برای پنهان‌کردن نیت‌های واقعی آنها و تحت تأثیر قراردادن اطرافیانشان باشد.

در مورد زندگی شخصی خود رازدار هستند: اگر کسی همیشه در مورد زندگی شخصی خود مبهم است یا از پاسخ‌دادن به سؤالات مستقیم اجتناب می‌کند، مراقب باشید.

همدلی نمی‌کنند: اگر به کسی برخورد کردید که به نظر نمی‌رسد با دیگران همدردی کند یا احساسات شما را بی‌اهمیت می‌داند، با احتیاط قدم بردارید.

قول خود را می‌شکنند: اگر متوجه شدید شخصی به طور معمول وعده‌های خود را زیر پا می‌گذارد، محتاط باشید. رفتار دوستانه آنها ممکن است فقط نقابی برای پنهان‌کردن مقاصد واقعی آنها باشد.